

دیدار با پیامبر (ص)

قصه

شماره ۶۶

آبان ۱۳۹۱

۱۴۰۰

داستان

بخوانیم



مرد کمتر به شهر آمده بود چون او چادر نشین بود. قبیله‌ی او در بیابان و جایی دورتر از مدینه زندگی می‌کردند. مرد بیابان نشین آن روز برای انجام کاری به شهر مدینه آمده بود. در کوچه‌های مدینه راه می‌رفت و دائم به این طرف و آن طرف نگاه می‌کرد. او در صحرا چیز خاصی نمی‌دید. بیابان خاک بود و خار بود و باد، اما